



مجموعه جزوات
رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله)
در باب حوزه و روحانیت

استعدادهای ناشناخته‌ی حوزه

شماره پنجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ی رهنمودهای
امام خامنه‌ای (مدظله)

در باب

استعدادهای

ناشناخته‌ی حوزه



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در سخنرانی‌های متعددی به تبیین نقش روحانیت در جمهوری اسلامی ایران و الزامات و اقتضائات منش طلبگی پرداخته‌اند. "موسسه وارثین" با همکاری جمعی از طلاب حوزه‌ی علمیه آیت‌الله قاضی (ره) دزفول اقدام به تولید سلسله‌ی جزواتی در این موضوع کرده است که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.
نظرات خود را با ما در میان بگذارید :

Reddawn.blog.ir
Jozveh88.blog.ir
Vareseen.ir

تذکره: لازم به ذکر است که رهنمودهای امام خامنه‌ای از میان سال‌های ابتدایی رهبری ایشان تا سال ۱۳۹۳ بوده و بدیهی است که بعضی از مشکلات مورد اشاره مرتفع گردیده. از طرفی بعضا مطالبی بیان شده که برای خواص و نخبگان حوزه بوده از این روی توجه به مخاطبین دیدارها ضروری است.



هر یک از شما بالقوه یک امام خمینی هستید

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

شما طلبه‌ی جوانی هستید در مدرسه‌ی آقای آخوند، یا مدرسه‌ی زنگنه، یا مدرسه‌ی مرحوم آقای آقاشیخ علی دامغانی، و دارید در همدان، در ملایر، در فامنین و هر جای دیگر درس می‌خوانید. اگر بحث سیاستهای جهانی و استکبار جهانی و امریکای با آن عظمت ظاهری بشود و بگویند اینها با شما مخالفند، شما نباید بگویید مگر من چه کسی هستم که با من مخالفند؛ من یک طلبه‌ی گوشه‌ی مدرسه‌ی آقای آخوند در همدان هستم. من می‌خواهم بگویم این فکر اشتباه است. اینها با یک‌یک شما نه تنها مخالفند، بلکه دشمن اند. به هر کدام از شماها به چشم منبعی برای روشنگری و افشاگری نگاه می‌کنند؛ که اگر این منبع فعال شود و کار بکند و باطن و استعداد و ظرفیت خودش را بروز دهد، کار بر استکبار دشمن دشوار خواهد شد. از نظر آنها هر یک از شما بالقوه یک امام خمینی هستید.

نیاز مبرم داریم

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم ۱۳۸۱/۱۱/۰۸

برای این که انسان به قلّه برسد، راه وجود دارد؛ باید آن راه را شناخت. هیچ مانعی ندارد که ما یک نقشه‌ی راهنما داشته باشیم و بگوییم راههایی که به قلّه می‌رود، اینهاست و این نقشه‌ی راهنما را در جیبمان نگاه داریم و از آن حفاظت کنیم. این کار به معنای این نیست که ما متحجریم، بلکه به معنای این است که ما عاقلیم و می‌دانیم که بدون این نقشه‌ی هدایت، حرکت کردن نااندیشیده ما را به سقوط منتهی خواهد کرد. بنابراین، این کارها لازم است. امروز ما احتیاج مبرمی داریم به این که تفکر آزاداندیشانه - که با آن فرهنگ و علم تولید خواهد شد و گسترش و توسعه‌ی واقعی پیدا خواهد کرد - در جامعه رشد پیدا کند و بتواند استعدادهای افراد را به سمت خود جذب نماید. امیدواریم که عناصر مستعد، با همت و با توکل - چه در حوزه، چه در دانشگاه و چه در مجموعه‌هایی مثل مجموعه‌ی شما - قدر این کارها را بدانند.

شناسایی استعدادها در فعالیت های مختلف

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

مطلب دیگر، شناسایی استعدادها در حوزه است که من در چند ماه قبل از این به مدیران محترم حوزه این را عرض کردم. این حوزه مجمعی از استعدادهای گوناگون است. اینها باید شناخته شود. استعدادها برای کارهای مختلف، برای معارف و معلومات مختلف و فعالیت‌های مختلف علمی یا تحقیقی شناسایی شوند. این شناسایی کمک بسیاری برای بهره برداری درست در پرورش این استعدادها خواهد کرد.

پایه ی همه چیز

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۴/۰۹/۱۶

از این فضای معنوی، موارث و یادگارهای معنوی‌ای که در این فضا انباشته است، استفاده کنید. مرحوم سید حسین رضوی، از همین آستان مقدسه و از علمای اوایل قرن چهاردهم است که از حالاتش نقل می‌کنند، مثلاً در قنوت نماز وتر، دعای "ابی حمزه" را از ابتدا تا

امروز ما احتیاج مبرمی

داریم به این که تفکر

آزاداندیشانه - که با آن

فرهنگ و علم تولید خواهد

شد و گسترش و توسعه‌ی

واقعی پیدا خواهد کرد -

در جامعه رشد پیدا کند.



هزار نفر فقیه، کم نیست
که این حوزه بتواند در
ظرف مدت بیست سال
بیرون بدهد. این، خیلی
زیاد است.

انتها می خوانده است! چنین عابدان و زاهدانی را این حوزه تربیت کرده است. من از بزرگان حوزه خواهم می کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند. پس، نکته‌ی اول مغتنم شمردن این فضا، جوانی، فراغت و نوراتیبتی است که بحمدالله در شما وجود دارد، و این فرصت پایهی همه چیز است.

نظام حوزه و طلبه... استعدادها نباید هدر برود

نکته‌ی دوم را که باز مربوط به همین ویژگیهاست و باید به شما عزیزان عرض کنم، اغتنام فرصت برای کسب علم و مجتهد شدن به سلاح فکری است. استعدادها نباید در این حوزه هدر برود. البته، این قضیه دو بخش دارد: یک بخش آن مربوط به نظام حوزه است و بخش دیگر به خود طلبه مربوط می شود. نظام حوزه، نقش زیادی در جلوگیری از اتلاف وقت طلبه دارد. کتاب درسی خوب، نظام آموزشی درست و منطقی، فرصتهای آموزشی مناسب، قرار دادن صحیح و منطقی درسها در کنار هم - که همین، جزو نظام آموزشی است - کم کردن تعطیلات حوزه و مسائلی از این قبیل به مسئولان و گردانندگان امور حوزه مربوط می شود

نخبه پروری در حوزه

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۱۳۷۴/۰۹/۱۳

فرض کنید اگر پانزده هزار طلبه در قم وجود داشته باشد، بر اساس ضابطه‌ی قبلی، حدود هزار نفر از آنها را گزینش کنیم تا فقیه و مجتهد بزرگ تربیت شوند. البته این کار باید در زمان و وقت خودش انجام گیرد. مثلاً یک دوره‌ی بیست ساله را در نظر بگیریم که طبیعتاً هر سال، جمع جدیدی اضافه خواهند شد و جمع دیگری هم خارج خواهند گردید؛ ولی میانگین تقریباً همین بیست سال است. این افراد باید افراد مستعدی باشند که استعداد و شوق فقاقت داشته باشند و اهل انصراف از فقاقت نباشند. باید اینها را گزینش کرد و روی آنها کار ویژه‌ی فقاقتی انجام داد. از بین اینها، مدرّسین و مؤلفین بزرگ فقه و مراجع تقلید در خواهند آمد. هزار نفر فقیه، کم نیست که این حوزه بتواند در ظرف مدت بیست سال بیرون بدهد. این، خیلی زیاد است.

حقوق طلاب

بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۴/۰۶/۱۴

حقوق یک طلبه‌ی فاضل معیل در قم - که بالاترین حوزه‌های علمیه است - نصف حقوق یک عمله که بیل می زند، نیست. درآمد اینها از حداقل حقوق اداری کمتر است. با این وضعیت آیا می شود گفت که روحانیت ما نان خود را از طریق دین می خورد؟! آیا این ظلم و حق کشی و بی انصافی نیست؟ حکومت ما اسلامی است و در آن آزادی بیان وجود دارد و این سخنان که از سر بی انصافی بیان شده، با استفاده از همین فضای آزاد مطرح شده است. البته منظورم این نیست که به حرف یا دعویایی جواب دهیم؛ خیر. منظور این است که شما بدانید انگیزه‌های مخالفت با حوزه زیاد و گسترده است. بعضی از کسانی که چنین انگیزه‌هایی دارند، خودشان هم نمی فهمند چه کار می کنند. نیت‌های بدی ندارند، ولی ملتفت نیستند که حرف و عملشان چه تبعاتی دارد. در خود حوزه‌های علمیه نیز همیشه این طور بوده و اکنون هم برای تضعیف حوزه انگیزه‌های تضعیف وجود دارد. طلبه جوانی که زندگیش در حوزه خوب نیست، برای امرار معاش مجبور است به حوزه پشت کند. حوزه یک نفر را تربیت

می‌کند و استعدادش را پرورش می‌دهد و او را به مقامات علمی می‌رساند؛ بعد که وقت استفاده کردن از او فرا می‌رسد، می‌بیند در فلان اداره و یا مرکز علمی برای تدریس باز است. مجبور می‌شود به آن جا رود و مشغول کار شود. نمی‌شود گفت این کار حرام است. بالأخره ضرورت و نیاز وجود دارد و بعضی افراد این کار را می‌کنند؛ لیکن این کار پشت کردن به حوزه است. البته منظور کسانی نیستند که کاری را برای نظام به عهده می‌گیرند و آن را انجام می‌دهند. خیر؛ اینها باید بیایند و امور مخوله را متصدی شوند. منظور من کسانی هستند که به حوزه و روحانیت پشت می‌کنند و کار روحانی انجام نمی‌دهند. پس ببینید انگیزه‌های تخفیف و تضعیف و توهین، در بیرون و درون حوزه وجود دارد.

لزوم ارزشیابی طلاب

بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۴/۰۶/۱۳۷۴

حوزه باید گواهی و تصدیق بدهد. من یک بار دیگر هم این نکته را گفته‌ام. تصدیق اجتهاد یکی از چیزهایی است که از قدیم در حوزه بوده است؛ امروز هم چیز خیلی خوبی است. بعضی از آقایان خیال می‌کنند که اگر ما بخواهیم درس طلبه‌ای را ارزشیابی کنیم، باید بگوئیم این سطح از تحصیل در حوزه با فلان دوره‌ی دانشگاهی - مثلاً لیسانس یا فوق لیسانس یا دکترا - معادل است. لزومی ندارد این کار را بکنیم. دروس حوزه یک چیز است و دروس دانشگاهی چیز دیگر. البته ممکن است این کار در جای خود لازم باشد. مثلاً ممکن است این شخص بخواهد در بعضی از دستگاه‌های اداری که احتیاج به مدرک دارند، مشغول به کار شود. طبیعی است که باید بدانند مدرک این فرد چقدر ارزش دارد. لیکن مسأله‌ی نیاز حوزه فراتر از اینهاست. ما انواع روحانیون در سطوح گوناگون و با تخصص‌ها و تواناییهای مختلف نیاز داریم. استعدادها مختلف است. باید استعدادها شناخته شود، درسها خوانده شود، دوره‌ها از هم تفکیک شوند و فضایی جوان در حوزه به کار گرفته شوند؛ چون برکات زیادی از این گروه عاید خواهد شد.

نفی روحانیون

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۲/۱۱/۱۷

این را باید بدانید که وقتی شما در رفع ظلم از مظلوم مؤثرید، ظالم کینه‌ی شما را در دل خواهد گرفت. این، امری قهری است که وقتی در برانگیختن یک ملت برای مقابله با ستم، موجود مستعد و آماده‌ای هستید، باید بدانید که ستم و ستمگر و زمینه‌های ستم خیز، شما را نفی می‌کنند و برای نفی شما دست به هر کاری که بتوانند، می‌زنند.

تحول در حوزه

پیام به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ۲۴/۰۸/۱۳۷۱

۱۰. مدیریت محترم، در برابر خود مسائل و مشکلات فراوان و نیز حوادث بی در پی و متوقع و نامتوقع خواهد یافت، که شایسته است در این میان، نخستین مهم خود را تشخیص اولویتها و فوریتها قرار دهد. برخی از این مسائل عبارتند از: طبقه‌بندی مراحل تحصیلی طلاب در قم؛ تعیین رشته‌های اختصاصی و مواد درسی آن؛ تهیه کتب درسی مناسب و در صورت امکان تغییر در کتب درسی کنونی؛ تعیین

حوزه باید گواهی و

تصدیق بدهد. من یک بار

دیگر هم این نکته را

گفته‌ام. تصدیق اجتهاد

یکی از چیزهایی است که

از قدیم در حوزه بوده

است؛ امروز هم چیز خیلی

خوبی است.



نمی‌شود بگوییم که این درس هست؛ هرکس می‌خواهد بیاید، بیاید؛ هرکس هم نمی‌خواهد، نیاید؛ ما این طوری درس می‌دهیم و ملاحظه می‌کنیم! مگر چنین چیزی می‌شود؟ باید برای اقوای مأمومین هم یک درس ویژه گذاشت.



مدارسی برای رشته‌های مختلف، که طبق برنامه‌های درسی معین اداره شوند و مدارس ویژه برای تربیت افرادی جهت اشتغال در مشاغل خاص یا متناسب با روحانیان؛ تعیین پایان نامه‌ها و شهادتات مخصوص حوزه علمی، برای درجات مختلف علمی؛ شناسایی استعدادها و برجسته برای تحقیق یا تحصیل، و تهیه امکانات برای پرورش آنها؛ رسیدگی به وضع معیشتی طلاب و تأمین ضروریات مشترک از قبیل مسکن و مدرس و بیمارستان و غیره؛ تدوین مقرراتی برای کیفیت زیست عمومی طلاب؛ فراهم آوردن حوزه‌های درس اخلاق و ترویج معنویت و سلوک روحانی و روحیه‌ی زهد و عفاف و ساده‌زیستی و امثال آن در حوزه؛ تأسیس واحدهای علمی با گرایشهای نو و ابتکاری و کمک به هر آنچه از این قبیل در حوزه هست؛ تشکیل مدارس ویژه‌ی تربیت مبلغ و مدرس برای داخل و خارج کشور، و مسائل متعدد دیگری که هر یک اهتمام و تدبیر و برنامه‌ریزی و پیگیری ویژه‌ای را می‌طلبد.

استعدادهای درخشان

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۰/۱۲/۰۱

استعدادهای درخشان را در میان حوزه جمع‌آوری و طبقه‌بندی کنیم؛ این از کارهایی است که امروز در دنیا رایج است. نمی‌شود بگوییم که این درس هست؛ هرکس می‌خواهد بیاید، بیاید؛ هرکس هم نمی‌خواهد، نیاید؛ ما این طوری درس می‌دهیم و ملاحظه می‌کنیم! مگر چنین چیزی می‌شود؟ باید برای اقوای مأمومین هم یک درس ویژه گذاشت. استعدادها باید شناسایی و طبقه‌بندی بشود؛ آن استعداد درخشان برکشیده شود و به او آموخته شود و از او استفاده شود؛ اینها کارهایی است که در جمله‌ی کارهای جدید قرار می‌گیرد؛ اینها باید در حوزه انجام بگیرد.

حرکت به سمت اهداف عالی

بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمی قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

حوزه‌ی علمی باید کارخانه‌ی سازندگی انسان، سازندگی فکر، سازندگی کتاب، سازندگی مطلب، سازندگی مبلغ، سازندگی مدرس، سازندگی محقق، سازندگی سیاستمدار و سازندگی رهبر باشد. حوزه‌ی علمی باید به جایی برسد که همیشه ده، بیست نفر شخصیت آماده برای رهبری داشته باشد؛ اگر هر کدام از اینها را در مقابل زبدگان این امت بگذارند، بر او متفق بشوند که برای رهبری صلاحیت دارد. حالا حوزه‌ی علمی این کارها را می‌تواند بکند، یا نمی‌تواند بکند؟ همه‌ی ما در این جا خودمانی هستیم. سابقه‌ی آخوندی و حوزوی من از بسیاری از شماها بیشتر است؛ شاید هم اگر ادعا کنیم از اکثر شماها بیشتر است، خیلی گزافه نباشد؛ چون می‌بینم ماشاءالله اغلب شما از من جوانترید. من نسبت به مسائل روحانیت، علاقه‌ی عمیقی از نوع علاقه‌ی انسان به نفس و متعلقات خودش دارم. مسأله، مسأله‌ی یک شیئی خارجی نیست که درباره‌اش بحث کنیم. من که نگاه می‌کنم، می‌بینم حوزه‌ی ما این طوری نیست.



عیب کار کجاست؟

این که گفتم سمینار برگزار شود، برای این است که در چنین جایی شما پشت تریبون بروید و بگویید نه، به این دلیل و این دلیل، قضیه این طوری است. حالا که فقط من دارم صحبت می‌کنم، ادعا می‌کنم و می‌گویم که حوزه این طوری نیست؛ حداقل این است که بگوییم این کارهایی که از حوزه مورد توقع و انتظار است، حوزه برآورده نمی‌کند؛ حالا گیرم بگوییم که می‌تواند بکند، اما نمی‌کند؛ چرا نمی‌کند؟ چون عیبی در کار هست؛ این عیب را باید پیدا کنید.

البته اعتقاد من این است که حوزه بالقوه می‌تواند این کارها را بکند؛ بالقوه به این معنا که الان استعداد این کار در حوزه‌ی علمیه هست. امروز ما در حوزه محققان و متفکران خوبی داریم. مغزهایی در این حوزه‌ی علمیه هستند که اگر هر کدام از مراکز تحقیقاتی دنیا این آدمها را در آن رشته‌ی خودشان تربیت کرده بودند، امروز نابغه‌هایی داشتند؛ این هم یکی از بدبختیهای ماست! امروز ذهنهایی در حوزه‌ی علمیه هستند که اگر در فلان مؤسسه‌ی تحقیقاتی دنیا در فن ریاضیات یا فیزیک یا علوم طبیعی یا نجوم مشغول بودند، امروز در دنیا مثل خورشیدی می‌درخشیدند و هر روز یکی از کارهاشان در دنیا به ثبت می‌رسید؛ اما این طور مغزهایی در حوزه‌ی علمیه‌ی ما آدمهای معمولی و عادی هستند؛ نه این که کسی برایشان شأنی قائل نیست - این که حالا چیزی نیست - بلکه بهره‌ی لازم از اینها گرفته نمی‌شود. پس حوزه‌ی ما از لحاظ شأنیت و استعداد، این امکان را دارد؛ اما عملاً ندارد؛ چرا ندارد؟ علی دارد:

۱. مسائل حقیقی

یکی از عللش همین چیزی است که جناب آقای مشکینی فرمودند؛ مسائل معیشتی. بسیار خوب، حالا شما مسائل معیشتی را با من مطرح کردید؛ من ان شاءالله روی آن فکر خواهیم کرد؛ اما قوی نمی‌دهم که این کار به آسانی و بزودی عملی بشود. من نسبت به این مسأله تاکنون به صورت مستقیم و جدی فکر نکرده بودم. البته ما بیمه‌ی حوزه را راه انداختیم؛ ان شاءالله به جریان می‌افتد و هر کس بخواید، استفاده خواهد کرد. هزینه‌های بیماری، یکی از مشکلات طلاب است؛ خود بنده هم در آن دوران همواره گرفتار آن بودم؛ می‌دانم که خلیپها هم گرفتارند و این از مشکلات اساسی است. ان شاءالله ما در حوزه یک تعاونی خوب هم راه می‌اندازیم که بتوانند لااقل بعضی از اجناس را ارزان تهیه کنند؛ طرحش را هم آماده کرده‌اند؛ خود بنده هم سرمایه‌گذاری کلانی در آن خواهیم کرد؛ بعد هم طلاب هر کدام سهمی می‌گذارند و سرمایه‌گذاری بی می‌کنند. درباره‌ی مسأله‌ی مسکن هم

عده‌ی از آقایان مشغول هستند. من قبلاً هم به آن تشکیلاتی که خانه‌های سازمانی می‌سازند، مختصر کمکی کرده‌ام؛ نیت کمک کردن بعد از این را هم داشته‌ام - نه این که نداشته باشم - اما به‌رحال بعد از این هم می‌رویم و می‌نشینیم فکر می‌کنیم و به دوستانی که در مسائل حوزه برای ما فکر و کار می‌کنند، خواهیم گفت که روی این مسأله کار کنند.

حوزه‌ی علمیه باید به جای برسد که همیشه ده، بیست نفر شخصیت آماده برای رهبری داشته باشد؛

حوزه بالقوه می‌تواند این کارها را بکند؛ بالقوه به این معنا که الان استعداد این کار در حوزه‌ی علمیه هست.

البته عرض کردم، این به معنای آن نیست که من بگویم حالا دیگر مسأله‌ی معیشتی طلاب حل شد؛ نه، این طوری نیست. من می‌دانم که وضع طلاب بد است. امروز شهریه‌های حوزه حداکثر هشت هزار تومان است. چه کسی می‌تواند با هشت هزار تومان شهریه، زندگی خود را با داشتن سه، چهار بچه اداره کند؟! این درآمد بسیار کمی است. امروز واقعاً یک کارگر ساده‌ی کارخانه هم با هشت هزار تومان

از کشورهای مختلف
می‌آیند و از ما مبلغ
می‌خواهند؛ اما نداریم! از
داخل شهرهای ایران
می‌آیند و از ما مبلغ و امام
جمعه می‌خواهند؛ اما
نداریم؛ خیلی عجیب
است!

کار نمی‌کند؛ اما در حال حاضر طلبه‌ی ما که انتظار داریم یک روز
خورشید درخشانی بشود که کشور و دنیا را اشعاع کند، دارد با این مبلغ
زندگی می‌کند! واقعاً این تقریباً مثل همان زمان شهیدثانی (رضوان‌الله‌علیه)
است؛ یعنی اگر با سطوح زندگی آن روز مقایسه کنیم، این مثل آن
می‌شود! امروز کسانی هستند که روزی صد هزار تومان درآمد دارند!
آنهایی که ماهی صد هزار تومان درآمد دارند، خیلی بیشتریند. حالا در
چنین جامعه‌ی بی‌که کسانی هم درآمدهای خوب و زندگیهای راحتی
دارند، طلبه‌ی ما با ماهی هشت هزار تومان زندگی می‌کند! البته این
چیز خیلی سختی است و می‌تواند عامل عمده‌ی هم باشد و بایستی
به آن رسید؛ لیکن این یکی از علتهاست؛ علل دیگری هم دارد و من
امشب می‌خواهم از یکی از این علل - که روی آن خیلی فکر کرده‌ام - یاد کنم.

۲. تشکیلات

حوزه تشکیلاتی است که به یک معنا اهمیت و حجمش از هر دانشگاهی بیشتر است؛ اما آن اولین چیزی را که هر مؤسسه‌ی
علمی با این عظمت باید داشته باشد - یعنی یک دستگاه مدیریت مشخص و منظم و منسجم - ندارد! طلبه‌ی بی‌من نامه
نوشته و گفته است که ما نمی‌دانیم در حوزه به چه کسی مراجعه کنیم! امتحان را در جایی باید بدهیم، می‌دهیم؛ شهریه را باید
از یک جای دیگر بگیریم، می‌گیریم؛ اما مشکلاتی داریم؛ به هر کس هم که مراجعه می‌کنیم، می‌گوید به من مربوط نیست!
شما این نقص را چیز کمی نگیرید؛ این چیز خیلی بالاهمیتی است.

در این چند سال اخیر، یک عده از فضایی طراز اول و خوب و مؤمن واقعاً زحمت کشیدند و شورای مدیریت را تشکیل دادند.
من شاهدیم که این شورا واقعاً بسیار کار و تلاش کرد. ممکن است خیلی از طلبه‌های حوزه هم تفصیل کارهای شورای مدیریت
را ندانند؛ اما بنده می‌دانم. آقایان گزارش‌هاشان را به صورت تفصیلی و ریز آوردند؛ من در جریان آن گزارشها قرار گرفتم و
دیدم که واقعاً زحمت کشیده‌اند. بینی و بین‌الله آدم وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند این آقایان با آن شأن و وضعی که دارند، و آنچه
که از یک شورای مدیریت برمی‌آید، خیلی کار کرده‌اند؛ منتها مشکل کار این است که برای اداره‌ی این واحد به این عظمت،
امکان ندارد کاری از شورای مدیریت بریاید. مسأله، مسأله‌ی شورای مدیریت نیست؛ یک مجموعه‌ی مدیریت قوی می‌خواهد؛
یک مدیر کارآمد می‌خواهد؛ یک مجموعه‌ی اداری و پرسنلی می‌خواهد؛ یک بودجه‌ی منظم می‌خواهد؛ ده تا معاونت می‌خواهد؛
تا بتوانند این مجموعه‌ی عظیم را درست کنند.

هرکس از دوستان ما برای معالجه یا کار دیگر به خارج رفت، آمد گفت به فلان کشور مبلغ بفرستید؛ اما من به آنها می‌گویم
آن نیازی را که شما احساس کرده‌اید، من پیش از شما از آن خبر داشتیم؛ اما کسی را نداریم؛ شما آدمی را معرفی کنید تا من
بفرستم؛ می‌گویند نداریم! از کشورهای مختلف می‌آیند و از ما مبلغ می‌خواهند؛ اما نداریم! از داخل شهرهای ایران می‌آیند و از
ما مبلغ و امام جمعه می‌خواهند؛ اما نداریم؛ خیلی عجیب است! بنده به مسائل امامت جمعه اشراف پیدا کرده‌ام. من دائماً
گزارش آقایان دبیرخانه‌ی ائمه‌ی جمعه و جناب آقای رسولی را - که رئیس دبیرخانه هستند - می‌بینم و خبرها را می‌خوانم.
جاهایی هست که گاهی شش ماه یا یک سال بدون امام جمعه می‌ماند؛ این در حالی است که ما حوزه‌ی بی‌این عظمت را
داریم! مگر ما گفتیم به جنگلهای آمازون بروید و تبلیغ کنید؟! آقایان نمی‌روند؛ می‌گوییم چرا نمی‌روید، می‌گویند می‌خواهیم
درس بخوانیم! برادران! من این روش را قبول ندارم؛ حالا شما هر چه می‌خواهید بگویید، بگویید؛ من والله این را الهی

نمی‌دانم! چند نفرتان بیایید از مرجعیت و از ریاست و از مدرّسی و از فضل و سوادِ در آن حد بگذرید؛ حوزه را طوری راه بیندازید که بعداً هزار نفر مثل خودتان را به‌وجود بیاورید.

تبلیغ که اولترین کار ماست، حوزه‌ی علمیه‌ی قم این کار را نمی‌کند! با زحمت و تلاش زیاد، در فصل تابستان و یا به مناسبتی، آقایان عده‌یی را برای تبلیغ می‌فرستند؛ بنده هم پشتیبانی و کمک می‌کنم و بر این معنا اصرار می‌ورزم. ما در این دو، سه ساله، از سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات خواهش کردیم، عده‌یی را فرستادند؛ ولی این کافی نیست. جاهایی هست که اصلاً روحانی پایش به آن جا نمی‌رسد! در سفر به استان بوشهر به منطقه‌یی رفتیم و وارد ده بزرگی شدیم؛ گفتیم روحانی و عالم شما کیست؟ گفتند ما روحانی نداریم! پرسیدیم چرا؟ گفتند نمی‌آیند بمانند؛ من از شما سؤال می‌کنم که چرا نمی‌روید بمانید؟ این واقعاً سؤال جدی است؛ چرا نمی‌روید بمانید؟ بروید در یک ده بمانید؛ چه اشکالی دارد؟ حوزه نمی‌تواند برای این‌طور جاها مبلغ بفرستد.

تحقیق دست جمعی

تحقیق هم همین‌طور است. این حوزه بایستی دستگاه‌های تحقیق داشته باشد. اگر یک نفر بنشیند برای خودش تحقیق کند، البته چیز باارزشی است؛ اما کار این مجموعه‌ی عظیم این نیست. مرحوم آیه‌الله بروجردی سالها در بروجرد بود و تک و تنها یک عالم تحقیق کرد؛ حالا اگر شما که یک عالم هستید، در قم بنشینید و در این مجموعه‌ی به این عظمت تحقیق کنید؛ که تازه این تحقیقات، مثلاً شطری از اشطار آن تحقیقات یک نفر که تنها نشسته و تحقیق کرده، نشود، این چه قیمتی دارد؟ امروز در یک مجموعه علمی، کار تحقیقات، ضابطه و قانون و روشهای پیشرفته دارد؛ کامپیوتر هست؛ تحقیق دستجمعی هست؛ تحقیق در چیزهای لازم هست؛ اما در حوزه، یکی در امری که لازم نیست، تحقیق می‌کند؛ دو نفر در امر واحدی تحقیق می‌کنند و تولید واحدی را به‌وجود می‌آورند! در باب تحقیق، سازماندهی و نظم لازم است؛ این نظم در حوزه‌ی علمیه وجود ندارد!

جاهایی هست که گاهی شش ماه یا یک سال بدون امام جمعه می‌ماند؛ این در حالی است که ما حوزه‌ی به این عظمت را داریم! مگر ما گفتیم به جنگلهای آمازون بروید و تبلیغ کنید؟! ”

آقایان نمی‌روند؛ می‌گوییم چرا نمی‌روید، می‌گویند می‌خواهیم درس بخوانیم! برادران! من این روش را قبول ندارم؛ حالا شما هرچه می‌خواهید بگویید، بگویید؛ من والله این را الهی نمی‌دانم! چند نفرتان بیایید از مرجعیت و از ریاست و از مدرّسی و از فضل و سوادِ در آن حد بگذرید.

کتاب درسی

کتابهای درسی، یکی دیگر از مشکلات حوزه‌ی علمیه‌ی قم و حوزه‌های علمیه‌ی دیگر است. تا سخنی از کتابهای درسی می‌گوییم، می‌گویند فلان عالم بزرگ هم همین کتابها را خواند؛ حالا آنهایی که انقلابی‌ترند، می‌گویند امام هم همین درسها را خواند که امام شد! آیا امام چون همین درسها را خواند، امام شد؟! امام جوهر مخصوصی بود. آنچه که شما در عظمت امام پیدا می‌کنید، ناشی از این نیست که این کتابهای درسی را خواند. وانگهی، از زمانی که امام راحل (رضوان‌الله‌علیه) این کتابها را می‌خواندند، تا حالایی که من و شما می‌خواهیم این کتابها را بخوانیم، بین این دو مقطع، شصت سال، هفتاد سال فاصله شده است.

کتاب درسی جدید تولید

” کنید. چه اشکالی دارد که

“ عده یی بنشینند کتاب درسی جدید تولید کنند؟

کتاب درسی جدید تولید کنید. چه اشکالی دارد که عده یی بنشینند کتاب درسی جدید تولید کنند؟ می گویند ما شهید ثانی نمی شویم! خیلی خوب، شهید ثانی نمی شوید؛ اما بسیاری از فقهای امروز ما از فقهای گذشته واردترند. من نمی گویم رتبه ی علمی و استعدادشان بیشتر از آنهاست - شاید اگر در زمان آنها بودند، مثل آنها نمی توانستند باشند - اما بسیاری از آنها، سطح معرفت فقهیشان بالاتر از خیلی از فقهای گذشته ی ماست؛ چرا نمی شود؟ کتاب اصول تولید کنید؛ کتاب فقه تولید کنید؛ برای مراتب مختلف تولید کنید؛ شکل درس را عوض کنید.

آن روز یکی از دوستان عزیز ما - که من واقعاً خیلی هم خاطرش را گرامی می دارم - به من می گفت که این طور نمی شود که در حوزه جنس پلاستیکی درست کرد؛ باید مطول و بعد معالم و بعد قوانین و بعد لمعه را با شروحش از اول تا آخر مطالعه کرد. من به او گفتم که نمی گویم جنس از پلاستیک درست کنید؛ بلکه می گویم امروز در دنیا از جنسی که از آهن سخت تر است، صفحه یی نازکتر از کاغذ درست می کنند؛ من می گویم این را درست کنید.

نوآوری کنیم. مگر می شود این همه مجموعه ی انسانی با این عظمت و با این همه استعداد، در کتاب درسی نوآوری نداشته باشد؟ این همه کارها را چه کسی باید بکند؟ این کارها را بایستی مدیریت حوزه بکند. البته کارهای فردی انجام گرفته است؛ فرد مخلص، مصلحی، دلسوزی، کتابی نوشته؛ کتابی تخلص کرده؛ کتاب نویی آورده؛ درس جدیدی گفته؛ مطلب تازه یی آورده؛ اما کار فردی به جایی نمی رسد؛ کار باید جمعی باشد؛ باید بر حوزه فرض بشود؛ باید مثل قالبی گذاشته شده باشد.

نظر بنده برای تحول

به نظرم می رسد که در حوزه دستگاه مدیریت لازم است. من فرمی برای این مدیریت تصویر کردم و روی کاغذ نوشتیم، که الان برای شما می خوانم. اگر حوزه این طوری اداره بشود، مشکلاتش حل خواهد شد؛ اگر این طوری اداره نشود، مشکلاتش حل نخواهد شد. من عرض می کنم که با شورای مدیریت، حوزه اداره نمی شود؛

۱. مدیر و دفتر طرح و برنامه

مدیر لازم دارد. در رأس بایستی یک شورای عالی سیاستگذاری امور حوزه متشکل از دوازده نفر، پانزده نفر از فضایی طراز اول حوزه وجود داشته باشد؛ اینها دو هفته یک بار دور هم جمع بشوند و برای سیاستگذاری، مسائل حوزه را با هم تبادل نظر کنند و دیگر در جزئیاتِ اجراییات داخل نشوند. این عده، یک نفر را به عنوان مدیر انتخاب کنند؛ این مدیر هم بایستی شرایطی داشته باشد؛ باید از فضایی حوزه باشد و طلبه ها و فضلا او را قبول داشته باشند؛ فرد خارج از حوزه، یا کسی که وجهه ی فضلی و علمی نداشته باشد، کار را مشکل خواهد کرد.

البته خواهید گفت فضایی ما درس و بحث دارند؛ بله، من هم می دانم؛ اما من می گویم که محض رضای خدا همان درس را تعطیل کنند و بیایند به مدت سه سال این کار را به عهده بگیرند. بنده بعد از رحلت امام (رضوان الله تعالی علیه) خیلی از این مسؤولیتهای مهم کشور را دو ساله، سه ساله - یعنی زمان دار - به این و آن محول کرده ام. شما درس خارج می گویند و پنجاه نفر، صد نفر - کمتر یا بیشتر - هم شاگرد دارید؛ خیلی خوب، محض رضای خدا به مدت سه سال این درس را تعطیل کنید. اگر این درس تعطیل بشود، آیا در عالم ضایعه یی پدید خواهد آمد؟! بیایید این مدیریت را قبول کنید و یک نفر مدیر بشود؛ بعد این مدیر با

اختیارات و با بودجه ی کافی، معاونتهایی داشته باشد. قبل از ایجاد معاونتها، باید یک دفتر طرح و برنامه، دایم برای طرحهای حوزه کار کند؛ بنشیند و راجع به مقررات، آیین نامه‌ها، شکلها، کارها، هیأت حوزه و مسائل کلی حوزه، دایم طرح بدهند.

۲. معاونت تبلیغ و نیروی انسانی

یک معاونت، معاونت تبلیغ و نیروی انسانی است؛ کارش فقط همین باشد؛ یعنی تربیت مبلغ برای داخل کشور؛ تربیت مبلغ برای خارج کشور؛ تأمین مبلغان ثابت برای مناطق گوناگون کشور؛ تأمین مبلغان فصلی برای مناطق گوناگون کشور؛ که هرکدام از اینها کلاسهای دوره‌یی کوتاه می‌خواهند؛ مثلاً امامت جمعه به نظر من چیزی نیست که فقط به علم و بیان و امثال اینها بستگی داشته باشد و چیز دیگری نخواهد؛ امامت جمعه چیز دیگری هم لازم دارد؛ آن کسانی که خبره‌ی این کارند و اهل فن هستند، می‌دانند که امامت جمعه چه می‌خواهد؛ بنشینند چیزهایی را بنویسند و یک دوره‌ی چهار جلسه‌یی، پنج جلسه‌یی، ده جلسه‌یی درست کنند؛ عده‌یی هم این دوره را ببینند و برای امامت جمعه آماده باشند؛ دبیرخانه‌ی ائمه‌ی جمعه هم اینها را به حسب حالشان برای امامت جمعه انتخاب کند؛ حوزه باید این را تأمین کند. مسأله‌ی استقرار روحانیون در مناطق گوناگون و نیز تأمین مدارس تربیت مربی برای مراکز آموزش فرهنگی، باید مورد توجه قرار گیرد؛ شبیه آنچه که در همین مدرسه‌ی دارالشفاء به شکلی دارد انجام می‌گیرد. الان در سطح کشور جاهایی هست که مربیهای روحانی می‌خواهند؛ در سپاه می‌خواهند، در ارتش می‌خواهند، در دانشگاه می‌خواهند، در تربیت معلم می‌خواهند، در تربیت مدرّس می‌خواهند.

۳. معاونت آموزش

یک معاونت، معاونت آموزش است؛ که باید مدارس تحت برنامه و مدارس تخصصی را اداره کند؛ برای آموزش، برنامه‌ریزی کند؛ متون آموزشی تهیه کند؛ گواهی پایان نامه‌های تحصیلی را بدهد؛ از طلاب بخواهد که پایان نامه بنویسند. شما آقایان چرا پایان نامه نمی‌نویسید؟ یک نفر دانشجو، چهار سال، پنج سال دوره‌یی را می‌بینید؛ بعد موضوعی را به او می‌دهند؛ استاد او را راهنمایی می‌کند و یک رساله به وجود می‌آورد؛ خیلی هم خوب است. الان اگر همین آقایان طلاب ما، بعد از آن که پنج سال، شش سال، ده سال درس خارج رفتند، یک استاد راهنما بگیرند و یک موضوع فقهی به آنها بدهند و بگویند کار کنید، ببینید از همین طریق چه قدر موضوع حل خواهد شد. پایان نامه‌های بعضی از این دانشگاهها را که برای من می‌آورند -در موضوعاتی که بنده به آنها ذی‌علاقه هستم - می‌بینم که خیلی هم خوب است و این جوانان خوب کار می‌کنند. جوانان حوزه، اگر استعدادشان بیشتر از آنها نباشد، کمتر از آنها نیست؛ تلاش و زحمت و روح تحقیقشان هم که الحمدلله بالاست.

۴. معاونت تحقیقات و مطالعات

یک معاونت، معاونت تحقیقات و مطالعات است؛ کارش تربیت محقق، نظارت بر رساله‌های تحقیقی و انتشار مجلات علمی در حوزه است. من آن روز با جمعی از برادران این نکته را مطرح کردم و گفتم که ما یک مجله‌ی فقه نداریم؛ ما یک مجله‌ی علمی فقه لازم داریم که مباحث فقهی را با زبان علمی فقه - یعنی زبان عربی - بیان کند. اگر کسی هم خواست فارسی بنویسد، می‌نویسد؛ اما زبان اصلی مجله باید عربی باشد. محققان یک مجله‌ی فقه تهیه کنند و در آن مقاله بنویسند؛ یکی از فضلاء آبرومند هم یکی از درسهایش را تعطیل کند و بیاید مسؤولیت این مجله را به عهده بگیرد. مگر فایده‌ی این مجله برای پیشبرد فقه اسلام، کمتر از فایده‌ی آن درس است؟ محققان، بزرگان و فضلاء، موضوعات جدید فقهی را بنویسند؛

اگر حوزه این طوری اداره

بشود، مشکلاتش حل

خواهد شد؛ اگر این طوری

اداره نشود، مشکلاتش

حل نخواهد شد.

تحقیق کنند؛ نقد کنند؛ فقه را پیش ببرند و دنیا را از فقه شیعه آگاه کنند. در دائرةالمعارف‌ها، فقه ما را بعد از فقه اباصله می‌آورند! از این فقه غنی - که شاید هیچ فقهی این همه کتاب و تحقیق و متون مهم نداشته باشد، یا کمتر فقهی داشته باشد - کسی خبر ندارد! اینها را بیرون بیاوریم، تا در مجلات علمی دنیا منعکس بشود.

۵. معاونت پرورشی

یک معاونت، معاونت پرورشی است؛ مشاوره‌های اخلاقی و تربیتی، درس و برنامه‌های تربیتی، کشف و هدایت استعدادها درخشان. در جمع طلاب و فضایی ما استعدادهای درخشانی هستند؛ در میان اینها علامه‌ی حلی‌ها و محقق حلی‌ها و شیخ انصاری‌ها پیدا می‌شود؛ اینها کجایند؟ بعضی در غم معاش، بعضی هم در غم پیدا کردن کان یکون یک کتاب درسی مشکل! واقعاً چه کار کنند؛ کسی نیست اینها را پرورش بدهد! من در دو، سه سال قبل از این، با یکی از فضایی عالی‌مقام - که واقعاً قلباً به ایشان ارادت دارم؛ خیلی خوشفکر و نوآور هم هستند - همین نکته را مطرح کردم و گفتم شما تعدادی از این فضلا و محققان را در جایی از قم جمع کنید و به آنها کار تحقیقی بدهید و بودجه‌ی هم برایش بگذارید؛ اما تعقیب نشد و متأسفانه این کارها انجام نمی‌شود! من ایراد ندارم که چرا فلان آقا این کار را نکرده؛ معلوم است که این کارها فردی انجام نمی‌گیرد؛ این کارها تشکیلات و مدیریت تشکیلاتی لازم دارد.

ما یک مجله‌ی علمی فقه لازم داریم که مباحث فقهی را با زبان علمی فقه - یعنی زبان عربی - بیان کند. محققان یک مجله‌ی فقه تهیه کنند و در آن مقاله بنویسند؛ یکی از فضایی آبرومند هم یکی از درسهایش را تعطیل کند و بیاید مسؤولیت این مجله را به عهده بگیرد.

۶. معاونت امور حوزه‌های شهرستان‌ها

یک معاونت، معاونت امور حوزه‌های شهرستانهاست. یک معاونت، معاونت گزینش و آمار است. گزینش حوزه چه طوری است؟ دو نفر از آقایان اساتید، یک نفر را گواهی می‌کنند؛ از کجا او را می‌شناسند؟ ما اول انقلاب کسانی را داشتیم که نامه‌ی از فلان پیشنهاد فلان محله می‌آوردند که در آن نامه، این شخص تأیید شده بود؛ او هم این نامه را مثلاً به سپاه یا کمیته می‌برد و به او شغل می‌دادند؛ اما بعد معلوم می‌شد که این فرد منافق است! وقتی می‌گفتیم چرا چنین شخصی را تأیید کردید، می‌گفتند ابویشان مرتب به نماز ما می‌آمد! اگر پدرش به نماز شما می‌آمده، به این جوان که جزو فلان گروه ضددین یا مثلاً منافق است، چه ارتباطی دارد؟! مدرّس نگاه می‌کند، ظاهر حال را می‌بیند؛ لزوماً مأمور به تحقیق از باطن حال هم نیست؛ این که ملاک گزینش نمی‌شود! گزینش مهم است و از اینها دقیقتر است. مسأله‌ی گزینش، مسأله‌ی گروههای مختلف اجتماعی در حوزه، مسائل امنیتی، مسائل حقوقی، امتحانات ورودی در حوزه، مسأله‌ی نظام وظیفه و نیز آمارهایی که در حوزه لازم است - و ما خیلی از این آمارها را نداریم - به این معاونت مربوط می‌شود. در کنار اینها، معاونت رفاه و خدمات و معاونت اداری و پشتیبانی هم لازم است.

بنابراین، آن شورای عالی باید تشکیل شود؛ حالا مراجع یا جامعه‌ی مدرّسین محترم می‌خواهند آن را انتخاب بکنند، فرقی نمی‌کند؛ ده، پانزده نفر از آدمهای خوشفکر باید انتخاب بشوند. لازم نیست اینها وقت زیادی هم بگذارند؛ هفته‌ی یک جلسه، دو هفته‌ی یک جلسه - بسته به کارها - بنشینند سیاستگذاری کنند و خطوط اصلی را معین نمایند؛ یک دبیر فعال هم داشته باشند که برایشان برنامه‌ها را روان کند؛ بعد اینها یک مدیر قوی انتخاب کنند و با همه‌ی وجود از او حمایت کنند؛ البته در این صورت، بنده هم پشتیبانی مالی خواهم کرد. من به خود آقایان جامعه‌ی مدرّسین و شورای مدیریت هم که یک وقت تشریف

آورده بودند، همین را گفتیم؛ گفتیم اگر چنین تشکیلاتی ایجاد بشود، من پشتیبانی مالی خواهیم کرد و تا آن جا که در وسع من هست، فروگذار نخواهم کرد. این مدیر قوی باید برای خودش پنج تا، هشت تا، ده تا، دوازده تا - هرچه لازم است - معاونت ایجاد کند. البته اگر قرار باشد چنین چارتی تصویب شود، یکی از همان سمینارها لازم است. یک گروه خوشفکر باید بنشینند و معاونتها را انتخاب کنند؛ بعد معاونان را بیآورند و آن شورای عالی تصویب و تأیید کند، تا با نظر همه باشد. مسؤولان زیردست تر را خود آن معاون انتخاب کند. باید ساختمان مناسبی هم در اختیارشان گذاشته بشود - پنجاه تا، صد تا اتاق؛ بیشتر، کمتر - و بودجه‌ی معینی هم به این کار اختصاص پیدا کند و یک چند صد نفر آدم، مرتب صبحها دنبال اداره‌ی کار حوزه بیایند؛ و آلا شورای محترم مدیریت و فضلالی عالی مقام، با وجود درسهای خارج، تحقیقات علمی و شاگرد طلبه، معلوم است که نمی‌رسند. اداره‌ی چنین تشکیلات به این عظمتی، کار یک شورای مدیریت نیست؛ این یک نظام مدیریتی می‌خواهد؛ علاجش این است. جوانان طلبه و فضلا هم مکرر به من مراجعه می‌کنند، یا نامه و طومار می‌نویسند؛ جواب من این است که گفتیم؛ حوزه این طوری درست می‌شود.

نکته‌یی را حضرت آقای مشکینی فرمودند که نکته‌ی درستی است. خوشبختانه امروز این علمین جلیلین مرجعین اعظمینی که در قم هستند - که خداوند ان شاءالله برکات وجودشان را بر سر ما و همه‌ی مردم مستدام بدارد، و من واقعاً برای طول عمر و عافیت این آقایان دعا می‌کنم - بحمدالله جزو روشنفکران و خوشفکرانند؛ جزو کسانی هستند که این گونه چیزها را قبول دارند. من بارها به دوستان گفتم که در شهر قم و حوزه‌ی قم، اول مدرسه‌یی که با صورت برنامه‌یی درست شد، مدرسه‌ی حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی بود. سی سال پیش، قبل از مدرسه‌ی حقانی، مدرسه‌ی ایشان بود. ایشان مرحوم شهید بهشتی را برای این کار بردند. بنابراین، هر دو نفر این آقایان، اهل برنامه و اهل این چیزها نیستند. هیچ اشکالی ندارد که این فکرها در حوزه‌یی باشد که در رأس و در مقام مرجعیتش، چنین شخصیتهای عالی مقامی هستند. آقایان فضلا برونند و این مطالب را با آنها در میان بگذارند؛ وقتی رضایت آنها کسب شد - که البته کسب می‌شود و راضی خواهند بود - بیایند بحول الله و قوته کار را انجام بدهند؛ این طوری حوزه درست خواهد شد. آقایان! بدون اینها، حوزه در قیامت از ماها شکایت خواهد کرد؛ چون استعداد عظیمی وجود دارد که به قدر خود این استعداد از آن استفاده نشده است!

میدان دادن به جوانان

بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۶۹/۱۱/۰۴

اداره‌ی چنین تشکیلات به این عظمتی، کار یک شورای مدیریت نیست؛ این یک نظام مدیریتی می‌خواهد؛ علاجش این است. جوانان طلبه و فضلا هم مکرر به من مراجعه می‌کنند، یا نامه و طومار می‌نویسند؛ جواب من این است که گفتیم؛ حوزه این طوری درست می‌شود.

حضور نمایندگان طلاب در صحنه‌های تصمیم‌گیری حوزه‌ی علمیه لازم است، تا آن حضور در صحنه‌ی تصمیم‌گیری، به استفاده از بازوهای فعال این نیروها در صحنه‌ی عمل منتهی شود. اگر در صحنه‌ی تصمیم‌گیری نباشند، در صحنه‌ی عمل نمی‌شود از آنها استفاده کرد. باید به جوانان میدان داده بشود. از فکر تازه - نه به معنای پذیرش، بلکه به معنای بررسی و گزینش - استفاده کنید، تا کسانی که دارای ابتکارند، قدمهای خوب را بردارند.

ای بسا استعدادهای برجسته‌یی وجود داشته باشد؛ اینها گم و دفن نشود. ای بسا، نظراتی عالی در چگونگی درس خواندن و کتاب درسی و روال بحثهای اصولی و فقهی و غیر اینها وجود داشته باشد؛ اینها

مظلوم واقع نشود. اگر این طور شد، هم حوزه عقب خواهد ماند، هم ممکن است دشمنانی که با اصل کیان و بنا و استقرار حوزه مخالفند، از آنها سوء استفاده بکنند.

استعدادهای فوق العاده

بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب ۱۳۶۸/۰۹/۰۷

در حوزه‌های علمیه، استعدادهای فوق‌العاده وجود دارد. واقعاً فهمیدن بعضی از مطالب اصولی و فلسفی و بعضی از ریزه‌کارهای فقهی، مشکلتر از فهمیدن بسیاری از فرمولهای علمی دنیاست و طلبه‌ها با آن دقت فکری خودشان، این مطالب را می‌فهمند. مگر می‌شود آدم مغزی مثل مغز صاحب «قوانین» به آسانی پیدا کند؟ در حوزه‌های علمیه، از این قبیل متفکران که مرتب فکر و دقت و ریزینی می‌کنند، زیاد است. اگر این استعدادها و ذوقیه‌ها و ذوقیه‌هایی که گاهی مشاهده می‌شود، به شکل صحیحی به سمت یک تبلیغ درست هدایت شود، ما دیگر محتاج چیزی نیستیم.

مبانی افزایش تحرک حوزه ها

بیانات در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد ۱۳۶۸/۰۴/۲۰

حوزه‌های علمیه باید بر سه مبنا تحرک خودشان را افزایش دهند و سازماندهی و نوآوری کنند:

مبنای اول، فقه سنتی و جواهری است، که تعبیر امام بزرگوارمان بود. صاحب جواهر، مظهر یک فقیه مقید به مقررات فقهات و قواعد اصولی و فقهی است. او یک ملای اصولی مقید و دقیق و منظم بود که از موازین رایج فقهی بین اصولیین، هیچ تخطی نکرد و در بررسی هر مسأله، شهرت و اجماع و ظواهر ادله و اصول و هرچه را که جزو ابزارهای معمولی کار فقهات شمرده می‌شود، در اختیار گرفت و آنها را با همان دقت یک فقیه اصولی به کار می‌بست. بنابراین، فقه جواهری، یعنی همان فقه سنتی رایج با متد فقهات. این روش و متد، همان کیفیت رسیدگی یک مسأله در فقه است.

روش رایج فقهها، بدین ترتیب است: اولاً، استفاده از ظواهر و علاج مشکلات ظواهر و امارات؛ و هنگامی که فقیه دستش از امارات کوتاه شد، مراجعه به اصول، و پیدا کردن اصلی که این‌جا مجرای آن است؛ و اگر معارضه‌یی میان اصول وجود داشته باشد، علاج کردن آن معارضه و دیگر مشکلات باب اجرای اصول ... و بالاخره از آب در آوردن مسأله‌ی فقهی. این، فقه جواهری است. ما دو فقه، یکی سنتی و دیگری پویا نداریم. فقه پویا، همان فقه سنتی ماست. پویاست، یعنی علاج‌کننده‌ی مشکلات انسان و پاسخگوی حوادث واقعه است؛ و سنتی است، یعنی دارای شیوه و متدی است که بر طبق آن «اجتهاد» انجام می‌گیرد، و این شیوه قرن‌ها معمول بوده و کارایی خود را نشان داده است.

باید فقهات تقویت شود و درسها و حوزه‌های فقهات مورد اهتمام قرار گیرند. اصولاً بی‌مایه فطیر است و بدون درس خواندن و زحمت کشیدن و ملا شدن، نمی‌توان مقید واقع شد.

مبنای دوم، تزکیه‌ی اخلاقی است، که اگر در افراد حوزوی نباشد، همان مسأله‌ی دزدی است که با چراغ می‌آید و کار را مشکلتر می‌کند. این قسمت، مستغنی از بیان است.

از فکر تازه - نه به معنای پذیرش، بلکه به معنای بررسی و گزینش - استفاده کنید، تا کسانی که دارای ابتکارند، قدمهای خوب را بردارند.

مبنای سوم، آگاهیهای سیاسی است. اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه‌ی ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندیهای امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم. همیشه کتک و توسری را کسانی می‌خورند که بین دو جناح بازیگر قرار گیرند و ندانند چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد و چه عواملی صحنه‌ی بازی را به نفع خود تغییر می‌دهند. بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیتهای برای هر عاملی - چه اعلم‌العلماء باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد - ضروری است؛ منتها هرچه مقام بالاتر باشد، آگاهیهای بیشتر و وسیعتری مورد لزوم است.

ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریانات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ بخصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاستها عوض شد و دولتهای اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند.

هرگاه ما عالم دین و تقی و باهوش و زرتنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آن‌جا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه‌ی اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد.

دیگر نباید تسلیم ناآگاهیها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خودمان تقویت کنیم. باید برآن سه مبنای حوزه‌ها را بازسازی کنیم و توسعه دهیم. حقاً و انصافاً حوزه‌ی مشهد از استعداد بالایی برخوردار است و از نظر علمی و عملی و اخلاقی و سیاسی، اساتید خوب و علمای بزرگ و شخصیت‌های برجسته‌ی بی‌ی دارد و طلاب با سابقه‌ی خوب و مستعدی در آن‌جا مشغول تحصیل هستند. ان‌شاءالله حوزه‌ی مشهد بتواند در این زمینه نقشی داشته باشد و اقدام مهمی بکند.

از دیدگاه جزوات:

ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریانات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ بخصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاستها عوض شد و دولتهای اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند.

۱. آبروی روحانیت

۲. منش طلبگی

۳. اسلام منتهای روحانیت

۴. تحول در حوزه

۵. استعدادهای ناشناخته‌ی حوزه



حوزه ی علمیه باید به جایی
برسد که همیشه ده، بیست
نفر شخصیت آماده برای
رهبری داشته باشد؛ حوزه
بالقوه می تواند این کارها را
بکند؛ بالقوه به این معنا که
الان استعداد این کار در
حوزه ی علمیه هست. ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

وارثین؛ مرکز توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛
دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد
لب خندق، تلفن: ۰۶۴۱۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

Vareseen.ir